

تفسیر احمد

سورہ العصر



۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ العصر
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سورة العصر

سورة العصر

سورة « العصر » در (مکه مکرمه) نازل شده و دارای 3 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

ترجمه سورة عصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«وَالْعَصْرِ» ﴿1﴾ قسم به زمان

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» ﴿2﴾ یقیناً انسان است در زیان

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» ﴿3﴾

مگر آنانیکه آورده اند ایمان و کار های شایسته انجام داده اند ، و همدیگر را به حق و درستی سفارش کرده اند و همدیگر را به صبر و شکیبایی فرموده اند.

مفسرین ترجمه و تفاسیر متنوع را در مورد کلمه « العصر » بعمل آورده اند، برخی از مفسرین آنرا به « وقت عصر » ترجمه و تفسیر می نمایند.

برخی از مفسرین « العصر » را به زمانه خاص مخصوصاً عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم تعبیر نموده و بدین ترتیب مفسران می خواهند با تفاسیر مختلف در توضیح و تشریح این کلمه بپردازند.

ولی اگر استدلال و تفاسیر هریکی از این مفسرین مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، هیچ کدام از این ها دلیلی برای اختصاص « العصر » به وقت و زمانه خاص را ذکر نه نموده اند، با این توجیه ارتباط میان قسم و جواب آن از میان می رود و در اینصورت با هیچ تعبیر و تاویلی نمی توان ثابت کرد که « العصر » گواهی میدهد که انسان در خسران و زیان است.

صیغه « العصر » عام است که نباید آنرا « خاص » ساخت. ارتباط میان قسم و جواب آن نیز فقط زمانی نمایان می شود که صیغه را به حال خود « عام » بگذاریم که به این ترتیب بمعنی هر مقطع زمان و هر فراز و نشیب تاریخ بگیریم. زمان و همهء فراز و نشیب های گوناگون می دهد که انسان همواره در نتیجه بی ایمانی، عملکرد ناصالح، عدم توصیه به حق و عدم توصیه به صبر با زیان و خسران مواجه شده است. خواننده محترم!

نقطهء اساسی، علمی و بی نهایت معجزه اساء که در این سوره مورد بحث قرار گرفته است، و برای هر مؤمن مسلمان قابل توجه، دقت و رعایت است همانا اینکه انسان برای نجات از خسران و زیان به چهار صفت ضرورت دارد: و این چهار صفت عبارت اند از: « ایمان، عملی صالح، توصیه به حق، و توصیه به صبر. ».

در این سوره برای ما انسانها می آموزاند که انسان زمانی میتواند به فلاح و رستگاری

سورة العصر

حقیقی و واقعی دست یابد که همه این عوامل چهار گانه راستگاری را در خود تعبیه کند. هر مسلمان باید به یاد داشته باشد که اگر یکی از اینها را بنابر عواملی و یا هم بنابر بر مصلحت دنیوی، کنار بگذارد و آنرا بی اهمیت تلقی نماید و یا اینکه هر کدام آنرا در جای خویش بطور دقیق مراعات ننماید، کشتی نجاتش در نیمه راه می ماند و از رسیدن به ساحل مطلوب که همانا سعادت ابدی است، محروم می ماند و به خسران دنیا و آخرت گرفتار می گردد.

معلومات موجز :

« سورة العصر » از سوره های مکی بوده که دارای یک (1) رکوع، (3) سه آیت، (14) چهارده کلمه، (74) هفتاد و چهار حرف، و (21) بیست و یک نقطه است.

فضیلت سوره عصر:

حضرت عبید الله بن حصن فرموده است که دونفر از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین بودند که هر گاه با هم ملاقات می کردند، تا آن زمام از همدیگر جدا نمی شدند، تا برای یکدیگر سوره ی « عصر » را تلاوت نمی کردند. (رواه الطبرانی) امام شافعی (رح) فرموده است که اگر مردم تنها به همین سوره می اندیشیدند، این برای آنها کافی بود. (ابن کثیر)

سوره عصر با در نظر داشت اینکه، سوره ی بسیار کوچکی از قرآن عظیم الشان است، اما چنان جامع است که به قول حضرت امام شافعی اگر مردم این سوره را با اندیشه و تعمق در معانی و تفاسیر آن تلاوت کنند، پس برای درستی دین و دنیا کافی می باشد. در این سوره بحث از خاسرین و زیانکار بودن همه انسان ها به میان می آید. درین سوره تاکید و گفته شده است که انسان زمانی از این خسران و زیانکاری نجات خواهد یافت که دارای خصوصیت: « ایمان، عمل صالح، سفارش یکدیگر به حق سفارش یکدیگر به صبر، هستند ».

انسان و جامعه انسانی زمانی از خسران و تباهی نجات می یابد که در مسیر ایمان قرار گیرد، ایمان و اعتقاد او در عملکرد صالح و شایسته او به نمایش گذاشته شده، و به حق التزام داشته باشد، دیگران را به پابندی و التزام به حق دعوت کرده و دشواری های حرکت در خط ایمان، عمل صالح و دفاع از حق را تحمل نموده، شکیبایی ورزیده، همرمز نیمه راه نبوده و بخاطر مصالح و مناصب دنیوی و منافع مادی خویش، به راست و چپ منحرف نشود و در راه مبارزه خویش احساس خستگی نه نموده، و دیگران را با قول و عمل خود به شکیبایی فرا خوانده و الگوی برای عناصر صابر و شکیبیا باشد.

وجه تسمیه :

علت اینکه چرا این سوره به «العصر» نامگزاری شده، جواب همه مفسرین این اینست، چون که پروردگار با عظمت ما در بدو و آغاز این سوره به «عصر» یعنی روزگار قسم خورده است. طوری که می فهمید که: روزگار دربرگیرنده اعجوبه هایی است؛ مانند شادی و غم، سلامتی و مریضی، غنا و فقر، عزت و ذلت... و نیز به سبب آنکه عصر به اجزایی چون سال، ماه، روز، ساعت، دقیقه و ثانیه منقسم می شود.

محتوا کلی این سوره :

طوری که متذکر شدیم، جامع بودن این سوره به حدی است که به گفته برخی از مفسران تمام علوم و مقاصد قرآن در این سورهء کوچک خلاصه و جمع بندی گردیده است. آغاز آن از سوگند پُر معنی به «عصر» آغاز می شود، سپس یادی از زیانکار بودن همه انسانها که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است، به میان می آورد. بعد فقط يك گروه را از این اصل کلی جدا و مستثنی می سازد و می فرماید: آنها یکه دارای پروگرام برنامه چهارماده ای میباشند عبارت اند از کسانی که: «ایمان، عمل صالح، توصیه یکدیگر به حق، و توصیه یکدیگر به صبر» و این چهار اصل در واقع برنامه های اعتقادی، عملی، فردی و اجتماعی اسلام را در بر می گیرد.

«ایمان» تنها يك «کلمه» نیست، بلکه يك «باور قلبی» است. باوری که به زندگی انسان را «جهت» می بخشد و ایمان در «چگونه زیستن» او نقشی مهم دارد و محور ارزش گذاری برای اندیشه ها و عملکردهای مردم است.

خداوند متعال نیز در قرآن کریم هرگاه «ایمان» را مطرح میسازد، به دنبال آن «عمل» را نیز بیان می دارد تا نمود عینی ایمان را در عمل گوشزد کند.

بنابراین ایمان زبانی و یا اعتقاد صرف، ایمان نیست مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده ایم، ملتزم شویم و آثار آن را بپذیریم.

در نتیجه درك فوائد ایمان، زمانی معنا پیدا میکند که انسان علاوه بر آنچه که به زبان می آورد و باور قلبی دارد، به آنچه که پروردگار ما دستور داده نیز عمل نماید. به این ترتیب نه ایمان زبانی و اور قلبی اکتفا نه نموده بلکه در انتظار چشیدن فوائد ایمان نیز میباید.

- ایمان به الله تعالی سلامتی جسمانی انسان را بهبود می بخشد، و یکی از ضروریات قلبی انسان بشمار می رود.

- ایمان به الله تعالی بر فکر و روح انسان اثر گذاشته و برای انسان آرامش روحی می بخشد.

زندگی انسان همواره مملو از مشکلات، فراز و نشیب ها و موانع است. هدف از آرامش روحی همین است که انسان مؤمن و متکی به الله تعالی در مواجهه به مشکلات راحتتر همه گردنه ها و مشقات زندگی را به به اتکا به الله تعالی و ایمان بهتر و اسانتر طی کرده میتوانند. آنها وجود مشکلات با آرامش کامل روحی مشکلات را از سر راه خود برداشته و در فراز و نشیب های زندگی استوار تر قدم بر میدارند. به همین دلیل اگر توجه فرموده باشید آنچه اشخاصیکه دچار امراض روحی و روانی اند معمولاً افراد بی ایمان هستند.

خداوند متعال در «آیه 62 سوره بقره» در خصوص آرامش ایمان آورندگان به الله می فرماید: «... من ءامن بالله و الیوم الآخر ... و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.»

(کسانی که ایمان به الله و روز قیامت دارند ... هیچ ترس و ناراحتی بر آنها نیست)
- کسانی که ایمان به الله دارند؛ الله متعال را به عنوان قدرتی بی منتها دوست و یاور

سورة العصر

خود می دانند طوریکه پروردگار با عظمت ما در آیه (257 سوره بقره) چنین وعده فرموده است: « الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور ». (الله تعالی یاور مومنان است و آنها را از تاریکی به روشنایی می برد.)

- کسانیکه به الله ایمان دارند، توکل کننده کامل خویش را الله خویش قرار می دهند ، طوریکه قرآن عظیم الشان در « سوره طلاق آیه 3 » با این زیبایی می فرماید: « وَ مَنْ یَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ » (هر کس بر خدا توکل کند، الله او را کافی است.)

- کسانیکه به خدا ایمان دارند، نتایج امور خویش را به الله می سپارند بناً اشخاصیکه به الله ایمان دارند با تکیه و اعتماد بر الله تعالی پس از انجام امور نتیجه کارشان را به او واگذار می کنند و اگر آن کار به نتیجه مطلوب نرسیده یقین دارند که حتماً خداوندیکه دوست و یاور آنها می باشد این مساله را به صلاح بنده وی نمی دانسته لذا از این جهت آرامش دارند که اگر چه کارشان به نتیجه نرسیده اما ضرری متوجه آنها نشده چراکه حتماً خداوند این امر را به صلاح فرد نمی دانسته.

- کسانیکه به الله ایمان دارند، به قضای الهی راضی می باشند.

- کسانیکه به الله ایمان دارند، در برابر امر پروردگار تسلیم می باشند .

- یکی از آثار ایمان به خدا ، خوش بینی به جهان خلقت و هستی است. ایمان به تلقی انسان از جهان شکل خاصی می دهد، به این نحو که آفرینش را هدفدار و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می کند.

- شخص با ایمان با ابزار خوش بینی و در پرتو روشن دلی، به نتیجه مطلوب تلاش های خود امیدوار است.

در منطق شخص باایمان، جهان نسبت به تلاش های او بی طرف و بی تفاوت نیست، بلکه دستگاه آفرینش حامی افرادی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می کنند: «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ» (سوره محمد: 7); اگر خدا را یاری کنید (در راه حق گام بردارید) خداوند شما را یاری می کند.

اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی رود: «انَّ اللَّهَ لَا یُضِیْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ» (سوره توبه: 90); فرد با ایمان به کمک و یاری پروردگار امیدوار است و در بحران های زندگی و برای دست یابی به اهدافش دست یاری به سوی الله دراز می کند و این امید به خدا مانع از ابتلا به اضطراب می شود.

- یکی دیگر از آثار پربرکت ایمان به الله هدفمند بودن در کارهاست. زیرا مؤمن می داند که به خودی خود به وجود نیامده و خداوندی حکیم او را به دنیا هستی آورده و برای هدف بس بزرگی که همانا عبودیت و بندگی پروردگار و جانشینی او در زمین است، خلق شده است و می داند که باید از رفتار و گفتارش حساب بکشد، قبل از اینکه روز حساب فرا برسد و می داند که باید کار کند تا زندگی کند نه اینکه زندگی کند تا کار کند. چون حساب و کتاب در راه است و روزی از خرد و درشت و کوچک و بزرگ پرسیده می شود، لذا باید در تمام مراحل زندگی متوجه و هوشیار باشد و کاری نکند که فردای بدون بازگشت در حضور پروردگار شرمنده باشد.

سورة العصر

- شخصی که دلش با حق تعالی پیوند خورده است، ممکن نیست که ترس و بیم داشته باشد. چرا که او با همه کاره عالم سروکار دارد، پس، از چه بترسد؟ مؤمن همیشه خود را غالب می‌داند، چون با موجودی پیوند دارد که همه عوالم وجود مسخر او هستند.

در آیات قرآن صفت «عزت» اختصاصاً برای مؤمن به کار رفته است. عزت حالتی است برای روح که خویش را غالب می‌بیند. چه کسی می‌ترسد؟ آنکه خود را مغلوب می‌نگرد. آنگاه که از جنود نفس که دشمنان درونی‌اند شکست خورد، از همه موجودات بیرونی نیز می‌ترسد.

- شخصی که به الله تعالی ایمان داشته باشد شخصی وقت شناس و در زندگی خویش دارای نظم عالی می‌باشد، از اوقات خویش در راه بهتر عبادت کردن خداوند استفاده بیشتر از لحظات زندگی و سرعت گرفتن در انجام اعمال صالح بهره می‌برند به همین دلیل در نظم بخشیدن به زندگی خود بسیار کوشا هستند. از هیچ دقیقه‌ای در راه رسیدن به اهداف عالی خود صرف نظر نمی‌کنند و به برنامه ریزی برای ساعات خویش اهتمام می‌ورزند.

- شخصی که به خداوند پاک ایمان داشته باشد، همه چیز را در این دنیا خلاصه نمی‌کند بلکه علاوه بر این دنیا به دنیایی فراتر از جهان هستی نیز اعتقاد دارد تمامی اعمال و رفتار خود را بر همین اساس تنظیم می‌نماید.

- ایمان به الله در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخیها را شیرین می‌گرداند.
- کسی که ایمان به الله دارد؛ به خاطر خدا و از ترس عاقبت وخیم نافرمانی و گناه، سنجیده عمل می‌کند و کاری نمی‌کند که خدا و خلق خدا را از خود برنجاند و هر کاری که می‌کند، به خاطر خدا و هر کاری که نمی‌کند باز به خاطر خداست و باید‌ها و نبایدها را از دین و فرمان خدا و رسول می‌گیرد. به همین خاطر دارای وجدانی آسوده و راحت است.

فضیلت سورهٔ عصر:

مفسرین در فضیلت سوره عصر می‌فرمایند: عمرو بن عاص قبل از آنکه مسلمان شود، به نمایندگی از مشرکان قریش نزد مسلمیه کذاب رفت. مسلمیه از وی پرسید: در این مدت دیگر بر رفیق شما چه چیزی نازل شده است؟! عمرو بن عاص (رض) در جوابش گفت: بر او سوره‌ای کوتاه اما بسیار بلیغ نازل شده است.

مسلمیه کذاب گفت: آن سوره چیست؟ عمرو بن عاص آن سوره را قرائت نمود:

« وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾ مسلمیه کذاب بعد از استماع این سوره سخت در فکر فرو رفت و بعد از اندکی سرخویش را بالا نموده و گفت: بر من نیز مانند آن نازل شده است. عمر و بن عاص به وی گفت: ممکن است آن را برایم بخوانی؟ مسلمیه کذاب شروع به خواندن کرد و گفت: «یا وبر، یا وبر، و انما انت اذنان و صدر و سائرک حفر نقر - ای وبر، ای وبر! تو جز دو گوش و يك سینه چیزی دیگر نیستی زیرا سایر اندامهای تو

سورة العصر

گودی و فرورفتگی است.» سپس رو به عمرو کرد و پرسید: ای عمرو! این سوره نازل شده بر من را چگونه یافتی؟
عمرو گفت: سوگند به خدا تو خوب می‌دانی که من خوب می‌دانم که تو دروغگو هستی. ابن‌کثیر می‌گوید: «مسئله کذاب خواست تا به وسیله این هذیان با قرآن معارضه کند اما حتی پرستشگر بتی را نیز متقاعد و قانع ساخته نتوانست.»
از عبیدالله بن‌حفص (رض) روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو تن از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم با هم دیدار می‌کردند، از یکدیگر جدا نمی‌شدند تا آن‌که یکی از آنها بر دیگری سوره عصر را تا آخر نمی‌خواند، سپس بر یکدیگر سلام می‌گفتند و از همدیگر جدا می‌شدند.»
امام شافعی (رح) در مقام و منزلت این سوره عصر می‌فرماید: «اگر همه مردم در این سوره تدبیر کنند، این سوره همه آنان را می‌گنجد.»
امام شافعی (رح) می‌افزاید: «اگر جز این سوره هیچ سوره دیگری نازل نمی‌شد، یقیناً برای مردم کافی و بسنده بود؛ زیرا این سوره دربرگیرنده تمام علوم قرآنی است.»

ترجمه و تفسیر سوره عصر:

« وَالْعَصْرِ » سوگند به زمان (که سرمایه زندگی انسان ، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است
مفسرین می‌نویسند:

« الْعَصْرِ » : زمان . روزگار . مراد زمان و تاریخ بشریت است که سرمایه زندگی انسانها است ، و خسران و زیان آنان بر اثر گذشتن زمان عمرشان به بیهودگی است.
«سوگند به عصر» خدای سبحان از آن روی به روزگار سوگند می‌خورد که روزگار محمل گذر شب و روز و پیاپی آمدن تاریکی‌ها و نور و ظرف رخدادها و اموری در امر قوام یافتن زندگی و مصالح و منافع زندگان است که روزگار آنها را در بستر خود می‌پروراند و شکی نیست که این امور بر وجود صانع عزوجل و بریگانگی وی دلالت روشنی دارند. بنابراین، سوگند خوردن الله متعال به روزگار، دلیل شرف و اهمیت آن است، از این جهت در حدیث شریف آمده است: «لاتسبو الدهر، فإن الله هو الدهر: روزگار را دشنام ندهید زیرا خدای عزوجل خود (آفریننده) روزگار است.»
برخی از مفسرین هدف از «عصر» را نماز عصر تعبیر نموده و بر اساس تفسیر همین تعداد از مفسرین است که: ما «صلاه وسطی» را به نماز عصر تفسیر کرده‌اند. بنابراین وجه تفسیری، این سوگند اشاره به آن دارد که عمر باقی مانده دنیا نسبت به آنچه که از آن گذشته است، مانند وقت باقی مانده در میان نماز عصر و مغرب است.
پس بر انسان لازم است تا به تجارتی بی‌زیان مشغول شود زیرا وقت به آخر نزدیک شده و جبران مافات ممکن نیست. ولی « ابن کثیر » مفسر شهیر جهان اسلام معنی اول را ترجیح داده است.

« إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » (انسانها همه زیانمندند.) « الْإِنْسَانُ » : انسان مکلف مراد

سورة العصر

است . « خُسْرٍ »: زیان و ضرر .

اصل این است : آنان که با طلای عمر خود با شیطان معامله می‌کنند ، زیان می‌بینند (مراجعه شود: نمل / 5 ، اعراف / 178 ، شوری / 45) و آنان که با یزدان تجارت می‌نمایند ، سود می‌برند (مراجعه شود: صف / 10 - 13) .

جواب سوگند آیه قبل این است: «که بی‌گمان انسان در خسر است» خسر و خسران: زیانکاری، نقصان و از بین رفتن سرمایه است. یعنی: هر انسانی که به تجارت و کار و تلاش مادی و صرف عمر در کارهای دنیا مشغول است، در زیان و گمراهی از حق و در معرض نابودی قرار دارد و از این قاعده هیچ کس مستثنی نیست، بجز کسانی که در آیه ذیل مورد استثنا قرار گرفته‌اند:

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

(مگر کسانی که ایمان می‌آورند ، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند ، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند ، و یکدیگر را به شکیبایی (در تحمل سختیها و دشواریها و دردها و رنجهای) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد) .

« تَوَاصَوْا » همدیگر را سفارش کردند. « الْحَقِّ »: هرگونه حق و حقیقتی.

« الصَّبْرِ »: شکیبایی ذکر خاص بعد از عام است و بیانگر اهمیتی است که دارد.

«مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند»

یعنی: مردان و زنان مؤمنی که در میان ایمان به الله و عمل صالح جمع کرده‌اند، در سودند نه در زیان زیرا کارهای دنیا آنان را به خود مشغول نساخته و برای آخرت خویش عمل کرده‌اند «و» مگر کسانی که « همدیگر را به حق سفارش کرده‌اند» همان حقی که بپاخاستن برای آن، شایسته و بایسته است و آن عبارت از:

ایمان به‌خداى عزوجل و یگانگی وی و انجام دادن همه چیزهایی است که حق تعالی مشروع کرده است و اجتناب از همه چیزهایی که او از آنها نهی کرده است و «مگر کسانی که» همدیگر را سفارش کرده‌اند به صبر» و شکیبایی در خود داری از ارتکاب نافرمانی‌های خداى عزوجل، شکیبایی بر انجام فرایض وی و شکیبایی بر مقدرات درآورد وی.

پس صبر از خصلت‌های حقی است که مؤمنان صالح باید یکدیگر را به آن سفارش کنند و از آنجا که صبر نسبت به دیگر خصلت‌های نیک شرف بیشتری دارد و درجه آن از آنها بالاتر است و نیز از آنجا که بسیاری از بپاخاستگان برای حق، مورد دشمنی و تعدی قرار می‌گیرند پس نیاز به صبر و شکیبایی، نیاز ملموس و ارستگان مؤمن می‌باشد. بنابراین، آنها باید یکدیگر را به صبر و شکیبایی نیز توصیه و سفارش نمایند.

امام رازی: می‌گوید: «آیه کریمه دلیل بر آن است که حق امری است سنگین که رنجها و محنت‌ها با آن ملازم و همراهند. از این جهت، پروردگار ما آن را به سفارش یکدیگر به صبر پیوسته گردانید» .

خلاصه تفسیر سوره عصر:

بصورت کل تفسیر سوره عصر را چنین خلاصه و جمع‌بندی نمود: قسم به زمانه (که در آن رنج و زیان واقع می شود، که انسان (در اثر ضایع کردن عمر خویش) در زیان بزرگی قرار گرفته است ، مگر کسانی که ایمان آوردند و کار های نیک انجام دادند ، (این کمال خود است) و یکدیگر را بر پابندی بر دین حق توصیه نمودند ، و یکدیگر را به پابندی (بر اعمال) تفهیم کردند ، (این تکمیل دیگران است ، پس کسانی که خود ، این کمال را به دست آورند و دیگران را نیز تکمیل کنند این قبیل مردم در زیان قرار نمی گیرند ، بلکه در نفع می باشند.

پیام‌های سوره عصر:

- 1- دوران تاریخ بشر، ارزش دارد و خداوند به آن سوگند یاد کرده است. پس از عبرت های آن پند بگیریم. «والعصر»
- 2- انسان از هر سو در خسارت است. «لفی خسر»
- 3- انسان که در مدار تربیت انبیا نباشد، در حال خسارت است. «انّ الانسان لفی خسر»
- 4- تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است. «آمنوا و عملوا الصالحات»
- 5- به فکر خود بودن کافی نیست. مؤمن در فکر رشد و تعالی دیگران است. «تواصوا بالحق»
- 6- سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق. «بالحق - بالصبر»
- 7- ایمان بر عمل مقدم است، چنانکه خودسازی بر جامعه سازی مقدم است. «آمنوا و عملوا... و تواصوا»
- 8- بدون ایمان و عمل و صالح و سفارش دیگران به حق و صبر، خسارت انسان بسیار بزرگ است. «لفی خسر» (نکره بودن «خسر» و تنوین آن نشانه عظمت خسارت است.)
- 9- اقامه حق به استقامت نیاز دارد. «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»
- 10- جامعه زمانی اصلاح می‌شود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند. هم پند دهند و هم خودشان پند بپذیرند. «تواصوا بالحق» (کلمه «تواصوا» برای کار طرفینی است)
- 11- نجات از خسارت زمانی است که انسان در صدد انجام تمام کارهای نیک باشد گرچه موفق به انجام آنها نشود. «عملوا الصالحات» (کلمه «الصالحات» به صورت جمع محلی به الف و لام آمده است)
- 12- ایمان باید جامع باشد نه جزئی. ایمان به همه اجزا دین، نه فقط برخی از آن. «الَّذین آمنوا» (ایمان، مطلق آمده است تا شامل تمام مقدسات شود.

مفهوم قرآنی عمل صالح:

عمل صالح به معنای کار راست ، درست و نیکو است. اگر میان دو نفر اختلاف شود برطرف کردن اختلاف و دشمنی را که راست کردن میان آن دو است، صلح می گویند .

سورة العصر

عمل صالح یعنی هر کار درست و نیکو، مفهومی است که مصادیق بسیاری دارد. در قرآن این ترکیب، در اصطلاح خاصی به کار رفته و از جایگاه بخصوصی نیز برخوردار است.

اگر اسلام را در دو مولفه اصلی و اساسی بخواهیم تعریف و تحدید کنیم یکی از دو مولفه اصلی را شکل خواهد داد. به این معنا که اسلام بر دو مولفه اصلی ایمان به حق و عمل صالح شکل می گیرد.

مسلمان و مومن کسی است که در دل به حق ایمان و باور داشته باشد و در عمل کارهای درست و نیکو انجام دهد. از این رو، ایمان توحیدی و عمل صالح را دو بال پرواز انسانیت دانسته اند و قرآن عمل صالح را در کنار کلمه طیب (حق) به عنوان بالابر یاد می کند. (سوره فاطر آیه 10) و تنها کسانی را رستگار و موفق می شمارد که توانسته اند دارای ایمان و عمل صالح اند و غیر ایشان کسانی هستند که از سرمایه اصلی زیان داده اند و جزو زیانکاران و اهل خسران می باشند.

(آیات 2 و 3 سوره عصر که در فوق گذشت).

پرسش این است که کدام مصادیق را قرآن به عنوان عمل صالح ستوده و آن را مورد توجه و اهتمام قرار داده است؟ قرآن برای عمل صالح مصادیق بسیاری را ذکر می کند که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود.

در (سوره توبه آیه 120 و 121) به صورت کلی و جزئی به برخی از مصادیق عمل صالح اشاره می کند و می فرماید: در راه خدا هیچ تشنگی به آن ها چیره نشود یا به رنج و سختی نیفتند یا به گرسنگی دچار نگردند یا گامی که کافران را خشمگین سازد بر ندارند یا به دشمن (حربی) دستبردی نزنند، مگر آن که عمل صالحی برایشان نوشته شود، که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد؛ و هیچ مالی چه اندک و چه بسیار هزینه نکنند و از هیچ وادی و سرزمینی نگذرند مگر آن که به حساب ایشان نوشته شود تا خدا پاداششان دهد؛ چون پاداش نیکوترین کاری که می کرده اند. در این آیات به موارد و مصادیق چندی اشاره شده است که مصداق کلی و جزئی عمل صالح است. در همه این ها آن چه شرط اساسی و کلیدی است در راه خدا بودن عمل صالح و نیکو است.

اگر انفاق و بذل و بخشش کم و بیشی صورت پذیرد و یا سختی و رنج های بسیاری تحمل شود و کارهای نیکویی دیگری انجام گیرد که نیت خدایی و قصد الهی در آن نباشد این کار نیکو و درست فرد همانند کار کسی است که بخواهد با يك بال پرواز کند که چنین چیزی غیر ممکن و ناشدنی است.

چنان که ایمان بدون عمل صالح نیز امکان پرواز را از فرد می گیرد. در آیات قرآن در همه موارد به شرطیت هر دو اشاره شده است و هر گاه سخنی از رستگاری و رهایی از آتش دوزخ می شود به ایمان و عمل صالح اشاره می شود. در بیش از 70 آیه به این مساله توجه داده شده است که بدون تحقق هر دو (ایمان و عمل صالح) رستگاری مفهومی نخواهد داشت. (نگاه کنید واژگان ایمان و عمل صالح)

از سوی دیگر مومنان واقعی را کسانی می شمارد که نه تنها خود این گونه هستند ، بلکه دیگران را به ایمان و عمل صالح می خوانند و سفارش می کنند. در حقیقت بر جنبه اجتماعی اسلام تاکید می شود. به يك معنا اسلام دینی است که تنها به نجات فرد نمی اندیشد بلکه نجات جامعه نیز یکی از مهم ترین مقاصد و اهداف آن را تشکیل می دهد. از این روست که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اعمال صالح در قرآن مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. این روش و شیوه قرآن نشان می دهد که اسلام نه تنها به نجات افراد بلکه جوامع بشری می اندیشد. رهایی و نجات و رستگاری فرد هر چند مهم است ولی این مهم جز به فراهم شدن جامعه صالح و امت درستکار تحقق نمی یابد. فرد اگر خود را برهاند و به جامعه توجه نداشته باشد نمی توان مطمئن شود که در آینده دچار گرفتاری نخواهد شد. رهایی فردی بخصوص در جوامع امروزی به رستگاری و رهایی جامعه بستگی دارد.

در خسران جنیات هم شامل اند:

در سوره « العصر » و هکذا در تعداد کثیری از احادیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم، بنی آدم و مخصوصا مردان مورد خطاب قرار گرفته است: که انسان در خسران است ولی زکری از زنان و جنیان در آیات متذکره بعمل نیامده است. قبل باید که خطاب پروردگار در مورد خسران ، که در آیه سوره «العصر » بعمل آمده است ، شامل حال خسران ، زنان و مردان، و حتی شامل حال خسران انس و جن نیز می گردد، زیرا دین اسلام دینی است که برای تمام مکلفین مرد و زن و جن نازل گردیده است، و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: « النساء شقائق الرجال » (روایت احمد)، به این معنا که زنان مانند مردانند در امور دین اند ، مگر در مسائلی که اسلام آنرا برای زن و مرد مستثنا دانسته و جداگانه معین کرده باشد مانند مسائل شهادت و ارث و غیره، و در مورد جن نیز در آیات قرآنی آمده است که از آنها مؤمنان و کافرانند، و خداوند میفرماید: « وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ » یعنی: (و من جن و انس را بجز برای عبادت نیافریدم) ، پس جن مانند انس مکلف به عبادتند، و معنای آیه سوره عصر عموم را میرساند یعنی هم جن و هم انس در هلاکت و خسارتند مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به حق و صبر پند و اندرز دهند.

راه رسیدن به جنت:

در رسیدن به جنت مؤمن مسلمان باید سعی و تلاشی همه جانبه را بخرچ دهد ، حکم شرعی همین است که راه جنت با مخالفت با هوای نفس تحقق می یابد و این به اراده قوی ، آهنین و تصمیم قاطع نیاز و ضرورت دارد. در حدیثی از بخاری و مسلم که از حضرت ابی هریره روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «حجبت النار بالشهوات، و حجبت الجنة بالمکاره» (جامع الاصول : (521/10) شماره 8069 .) (دوزخ با لذایذ و شهوات و بهشت با نا ملایمات احاطه شده است).

همچنان در سنن نسائی، ابو داود و ترمذی از ابی هریره روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَذْهَبَ فَاَنْظُرُ إِلَيْهَا فَذَهَبَ فَاَنْظُرَ إِلَيْهَا ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ أَيُّ رَبِّ وَعَزَّتِكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا ثُمَّ حَفَّهَا بِالْمَكَارِهِ ثُمَّ قَالَ يَا جِبْرِيْلُ أَذْهَبَ فَاَنْظُرَ إِلَيْهَا فَذَهَبَ فَاَنْظُرَ إِلَيْهَا ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ أَيُّ رَبِّ وَعَزَّتِكَ لَقَدْ حَشِيْتُ أَنْ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ» جامع الاصول: (520/10) شماره 8068 . (برو بهشت و آنچه را که در بهشت برای مؤمنان آماده کرده‌ام ملاحظه کن.

جبرئیل رفت و بهشت و تمامی امکانات آن را مشاهده کرد و سپس برگشت و گفت: پروردگارا! سوگند به جلال و عظمتت، هر کس درباره این نعمت‌ها بشنود، برای ورود آن خود را مهیا می‌کند و وارد آن می‌شود. پس خداوند دستور دارد که بهشت بوسیله ناملايمات احاطه شود و به جبرئیل امر کرد، برو و ببین که برای بهشت و اهل بهشت چه آماده کرده‌ام. جبرئیل رفت و برگشت و گفت: پروردگارا! سوگند به جلال و عظمتت، بیم آن دارم که کسی وارد بهشت نشود).

امام نووی در شرح مسلم پیرامون حدیث اول تفسیر و توضیحاتی به شرح زیر نوشته است: این تمثیل بسیار زیبا و نشانگر فصاحت و جامعیت کلام رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

معنی و مفهوم آن، این است که انسان تا کارهای دشوار و ناملايم را انجام ندهد، به بهشت نمی‌رسد و تا لذت‌ها را فدا نکند از دوزخ نجات نمی‌یابد. آری، جنت و دوزخ با شهوات و مکاره پوشانده شده‌اند. هر کس از پرده‌ها و موانع عبور کند به محبوب می‌رسد. برداشتن موانع راه بهشت یعنی روبرو شدن با مشکلات و برداشتن موانع دوزخ یعنی رسیدن به لذت‌ها.

مکاره و مشکلات عبارتند از:

کوشش در عبادت، مواظبت بر آن، صبر در برابر مشکلات راه عبادت، فرو بردن خشم، عفو و گذشت، بردباری، صدقه، نیکی در حق کسی که نسبت به شما عمل بدی انجام داده است و صبر در برابر لذت‌ها و امثال آن. شرح نووی بر مسلم: (165/17).

مدعین نبوت:

در مورد اینکه بعد از محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم چه تعداد اشخاص ادعای نبوت کرده‌اند؟ معلومات دقیق در دست نیست، ولی در حدیث صحیحی پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْعَثَ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ قَرِيبًا مِنْ ثَلَاثِينَ كُلَّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ» بخاری (3609). یعنی: «قیامت بر پا نمی‌شود مگر اینکه دجالهای کذابی حدود سی نفر که همه آنان ادعای نبوت می‌کنند، ظاهر شوند»

و در سنن ابوداود و ترمذی از ثوبان روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي كَذَّابُونَ ثَلَاثُونَ كُلَّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» سنن ابی داود (4252). یعنی: «همانا در امت من سی نفر مدعی نبوت دروغین ظاهر می‌شوند و هر یک از آنان گمان می‌کند پیامبر خدا است در حالی که من خاتم انبیاء هستم و پیامبری بعد از من نخواهد آمد». و اولین نفری که ادعای پیامبری نمود، مسیلمه

ی کذاب بود که بعدها توسط مسلمین کشته شد .

پیامبران دروغین در صدر اسلام :

در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم اشخاصی قد علم کردند ، و خود را مدعیان نبوت اعلام داشتند . در این میان تعداد کمی از این افراد توانستند برای خود پیروانی ، پیدا نمایند . از معروفترین و مشهورترین این اشخاص میتوان از : مسیلمه بن ثمامه نام برد که در تبلیغات خویش ، خود را شریک پیامبر در امر نبوت می دانست ، و اسود عنسی و طلحه بن خویلد و ... که هر یک در منطقه ای دعوا نبوت می کردند .

مسیلمه بن ثمامه :

مسیلمه بن ثمامه که با کنیه ابا ثمامه نیز شهرت داشت . (1) در یکی از روز ها با تعداد از پیروان خویش نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند . او در ملاقات با رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : (2) اگر امور را چنان قرار دهی که پس از تو ، امور از آن من باشد ، (من به اصطلاح جانشین شما باشم) از تو پیروی خواهم کرد .

پیامبر صلی الله علیه وسلم به او رو کرد در حالی که در دستش شاخه ای از نخل بود ، فرمود : «اگر از من چنین چیزی که در دست من است را درخواست کنی ، به تو خواهم داد ، در کار خود با آنچه خدا برایت در نظر گرفته دشمنی مکن و اگر رویگردان شوی خداوند دنباله ات را خواهد برید . و من تو را همان می بینم که در خواب دیم (3) » او بعد از این مباحثه با رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی قبیله خویش برگشت ، و بعد از مواصلت نزد قبیله خویش ، یکباره ادعای نبوت را کرد و گفت که با پیامبر اسلام در نبوت شریک است (4) . قابل تذکر است که او نبوت پیامبر اسلام را رد نکرد ولی خود را مانند او پیامبر می دانست و می گفت من و محمد در امر نبوت شریک هستیم . سیرت نویسان می نویسند که : بعد از سپری شدن مدتی که مسیلمه توانست عده ای را گرد خود جمع کند به پیامبر نامه ای به محتوی ذیل نوشت :

«از مسیلمه پیامبر خداوند به محمد پیامبر خدا ، درود بر تو ! اما بعد ، همانا که من با تو در امر (نبوت) شریک هستم و نیمی از زمین از آن ماست و نیمی از قریش ، اما قریش تجاوز می کنند . زمانیکه نامه به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید بعد از مطالعه نامه شان ، نامه را به مضمون ذیل عنوانی او گسیل داشت :

«از سوی محمد پیامبر خداوند به مسیلمه دروغ گوی ، درود بر کسی که از راه رستگاری پیروی کند . اما بعد ، زمین از آن خداوند است که به هر کس از بندگان که بخواهد ، به ارث می رساند و سرانجام از آن پرهیزکاران است .» (5) ، (6) .

مؤرخین مینویسند که پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی را بنام « حبیب بن زهد » را به سوی مسیلمه گسیل داشت .

مسیلمه به فرستاده رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : شهادت می دهد که محمد رسول و فرستاده خدا است ؟ حبیب گفت : بله . مسیلمه گفت : شهادت می دهی که من رسول خداوند هستم . حبیب گفت : من کر و لال هستم . این کلام چندین بار رد و بدل شد تا این که مسیلمه اعضای او را یک به یک برید و او شهید شد . (7)

در روایت دیگری آمده است : مسیلمه کذاب دو تن از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را گرفت و به یکی از آن دو گفت : آیا شهادت می دهی که محمد رسول الله است ؟ گفت : آری . باز پرسید : آیا به رسالت من هم شهادت می دهی ؟ گفت : آری . پس او را آزاد کرد .

سپس دومی را خواست و گفت : آیا به رسالت محمد شهادت می دهی ؟ گفت : آری . سپس پرسید آیا به رسالت من هم شهادت می دهی ؟ جواب داد : من گنگ و لالم ... و او شهید شد .

سورة العصر

- مسيلمه بعد از مرگ پیامبر ادعا کرد که با نبودن پیامبر اسلام، او تنها پیامبر موجود است و مردم باید از او اطاعت و حمایت کنند (8)
- در نهایت، خلیفه اول وقتی خطر مسيلمه را جدی دید چندین سپاه را برای جنگ با او بسیج کرد و چندین درگیری کوچک و بزرگ در میان آنان شکل گرفت که در نهایت سپاه اسلام به فرماندهی خالد بن ولید در جنگی سخت پیروز شد و مسيلمه نیز در همان جنگ کشته شد (9)
- (1) زرکلی، خیر الدین، الأعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)، ج 7، ص 226، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ هشتم، 1989م.
- (2) در برخی از نقل‌ها ذکر شده که او به پیش پیامبر نرفت و دیگران از او نقل قول کردند و پیامبر نیز جواب داد؛ الأعلام، ج 7، ص 226.
- (3) بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، محقق: الناصر، محمد زهیر بن ناصر، ج 4، ص 203، دار طوق النجاة، چاپ اول، 1422ق.
- (4) مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، ج 14، ص 229، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، 1420ق.
- (5) اعراف، 128: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»
- (6) طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج 3، ص 146، دار التراث، بیروت، چاپ دوم، 1387ق.
- (7) عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: بجاوی، علی محمد، ج 1، ص 320، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، 1412 ق؛ ابن اثیر جزری، عز الدین أبو الحسن، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج 1، ص 443، دار الفكر، بیروت، 1409ق.
- (8) البداية و النهاية، ج 6، ص 341.
- (9) ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون (دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر)، تحقیق: خلیل شحادة، ج 2، ص 502، دار الفكر، بیروت، چاپ دوم، 1408ق.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

ترجمه سورة عَصْر
معلومات مؤجز
فضیلت سورة عَصْر
وجه تسمیه
محتوی کلی این سوره
فضیلت سورة عَصْر
ترجمه و تفسیر سورة عَصْر
خلاصه تفسیر سورة عَصْر
پیام‌های سورة عَصْر
مفهوم قرآنی عمل صالح
در خسران جنیات هم شامل اند
راه رسیدن به جنت
مدعین نبوت
پیامبران دروغین در صدر اسلام

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خزّم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری